

بسم الله الرحمن الرحيم

شیطانی که خیرات می کند

امروزه شاهد رسوائی ده ها مؤسسه مالی رباخوار و کلاهبردار و محتکر هستیم که در سطح ملی به مدت چند دهه مشغول غارت ثروت ملی و جیب ضعیف ترین افراد و اقشار مردم بوده اند آن هم در پس پرده مؤسساتی که مشغول خیرات و صدقات و قرض حسنه هستند و در یتیم خانه نقل و نبات پخش می کنند و به همراه دوربین به سیل زده ها و زلزله زدگان و کارتن خواب ها و کودکان کار یک وعده پلو می دهند و در رسانه ها تبلیغ می کنند و در فضای مجازی طرفدار جذب می کنند و به این طرفداران خود پول نزول می دهند و زندگیشان را نابود می سازند.

تقریباً همه این مؤسسات نزول خوار و راندخوار و محتکر و کلاهبردار نام ائمه هدی را برخوردارند و عجبا که در مدیریت کلان این مؤسسات کسانی حضور دارند که از انقلابیون دیروز بودند و پینه بر پیشانی دارند و مستمراً ورد می خوانند و صلوات می فرستند و فقراء را به راه راست ارشاد می کنند و بسیاری از آنها مشغول خرید و فروش نوامیس مردمند و خانه های عفاف را هم در سطح منطقه اداره می کنند.

اصولاً کسی که در ملاء عام خیرات می کند و درباره خیراتش تبلیغات به راه می اندازد آشکارا یک شیطان است. کسی که آبروی فقراء را می برد و از این طریق گروه های پولدارتر را غارت می کند و از کشور می گریزد.

سؤال ما این نیست که چرا نظام اسلامی مانع فعالیت این نوع افراد و مؤسسات نمی شود و آنگاه هم که خود مردم برای دادخواهی قیام می کنند مورد حمایت حکومت واقع نمی شوند. سؤال ما اینست که چرا خود مردم تا این اندازه ساده لوح و گول خور شده اند که به این آسانی به دام این شیادان متشرع می افتند.

خیرات و صدقات و قرض الحسنه ای که این مؤسسات و افراد به فقراء و درماندگان می دهند همان دامی است که دیگران را به اعتماد نسبت به این مؤسسات می کشاند تا درباره بهره های رباخوارانه ای که به مردم می دهند تردید نکنند و کل سرمایه و پس انداز زندگی خود را به این مؤسسات ربائی بسپارند.

کسی که بواسطه یک وعده غذا آبروی نیازمندان را می برد و عزت نفس و شرافتش را در ملاء عام به لجن می کشد بی تردید موجودی ضد انسان و پلید و شیطان صفت است. در این حقیقت هیچ جای تردیدی نیست. پس چگونه دیگران می توانند به چنین افراد و مؤسساتی این گونه اعتماد کنند و به وعده بهره های عجیب و غریب که در هیچ کشور و بانکی در جهان سابقه ندارد کل سرمایه خود را تحویل شیطان بدهند. مسلماً روی دیگر این اعتماد حرص رباخواری و بهره فوق العاده این

مؤسسات است که عقل را از سر مردم حریص می‌رباید. ولی مسئله تحقیر و بی‌آبروسازی مردم تهی‌دست و ایتام زمینه اصل پیدایش این حرص و ولع در رباخواری است. کسی که از بی‌آبرویی تهی‌دستان لذت می‌برد و این امر را می‌ستاید و عاملانش را افرادی خیر و نیکوکار می‌پندارد بی‌تردید موجودی ضد انسان و بی‌وجدان و شرور و شیطان‌صفت است و لذا به دام شیطان‌صفتان بزرگتر از خودش می‌افتد و سرمایه‌اش را به باد می‌دهد.

کسی که خیرات و صدقات به مستمندان در ملاءعام را عملی نیکو می‌داند انسانی رذل و شرور است و همو به دام این نوع خیرین شیطان‌صفت می‌افتد و این عین عدالت است.

جرم این نوع مؤسسات و افرادی که آن‌را بنا کرده‌اند چیزی در حد جنایت علیه بشریت و جنایت علیه مقدسات و مبانی مذهب است. و حق است که به اشد مجازات برسند زیرا هم سرمایه مادی مردم را به باد داده‌اند و هم اعتماد و باورهایشان را. زیرا همه اینها تحت عناوین نام امامان فعالیت می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد که در هیچ جای جهان و در هیچ مذهبی تا این اندازه مقدسات مورد تهاجم و تاخت و تاز قرار نگرفته باشد. و در هیچ مذهبی همچون تشیع امامان و رهبرانش مورد سوءاستفاده قرار نگرفته و بدنام نشده‌اند. گوئی که پیروان این مذهب دست به خود - براندازی زده‌اند و مقدسات خود را در خود ریشه‌کن می‌سازند. این آخرالزمان تشیع تاریخی - موروثی است.

هرگاه حکومت لباس دین بر تن کند یا دین حکومتی شود عمر تاریخی آن دین به‌سر می‌آید و آخرالزمانش برپا می‌شود. و آنگاه فقط دین الساعه و روحانی و ایمان خالص باقی می‌ماند و مابقی هر چه هست کفر آشکار است.

حکومتی که به مردمش خیرات و صدقات و یارانه می‌دهد (به‌جای اینکه مردم را در سرمایه ملی مشارکت دهد و سهیم سازد) مردمش را از هر عزّت و شرف و کرامتی ساقط کرده است. و آنگاه خود مردم مقدسات خود را به بازی می‌گیرند و بر سر آن تجارت می‌کنند و چه بسا عمداً آن‌را به لجن می‌کشند و این کار را آخرین راه مبارزه با حکومت قرار می‌دهند حکومتی که با شعار این مقدسات بر سر کار آمده و راز بقای آنست.

خیرات و صدقات دادن به دیگران در ملاءعام عین نابود کردن آنهاست. از این‌روست که در معارف دینی ما هر نوع کمک مادی به مستمندان بایستی در خفای کامل باشد و حتی باید به‌صورتی باشد که خود مستمندان احساس حقارت و ذلّت نکنند. خود امامان ما برجسته‌ترین اسوه این نوع یاریگری به مستمندان بودند که نیمه شب‌ها و با صورتی پوشانده این کمک‌ها را به مستمندان می‌رساندند.

پدري که صدقه‌وار به خانواده‌اش نفقه می‌دهد مورد نفرت و انتقام قرار می‌گیرد تا چه رسد به دیگران.

حالا بهتر درک می کنیم که چرا نقاب بیرونی این افراد و مؤسسات رباخوار و کلاهبردار و راندخوار، قرض الحسنه و خیرات است. و دو دسته از مردم در این شیطانی که تحت عناوین دین و مقدسات فعالیت می کنند غارت و نابود می شوند: طبقه مستمند و طبقه متوسط!

این نوع غارتگری در سراسر جهان خودنمایی می کند به طور نمونه مؤسسات خیریه را کفلر را در سراسر جهان می بینیم که نقاب بیرونی غارت های بین المللی این خاندان جهانخوار است به همراه جنگ هایی که برپا می کند و کشورهای فقیر را به خاک سیاه می نشاند و سپس شیر خشک گندیده و داروهای فاسد شده و سلاح های جدیدش را به این کشورها می فروشد. و برخی از این جوامع را جهت آزمایش داروهای مهلک تبدیل به موش آزمایشگاهی خود می کنند. اینست ماهیت شیطانی و ضد انسانی این مؤسسات خیریه!

قرآن کریم به اهل ایمان توصیه می کند تا از محبوب ترین چیزهایشان انفاق کنند نه از بازمانده مواد غذایی و زباله ها و چیزهای به درد نخور. از محبوب ترین چیزها انفاق کنید تا به مقام ابرار برسید. مقام ابرار مقام آزادی و حریت است. و این دل است که از ابتلای به امور مادی پاک می شود و لایق دریافت نور ایمان و عرفان می گردد.

و اما در کشور ما نزول خواری و قرض الحسنه رابطه ای ناگسستنی دارند. علاوه بر جنبه فوق که بحث شد این مؤسسات قرض الحسنه مجاری به دام انداختن مستمندترین افراد در آتش ربا هستند. که این مستمندان را وامی دارند تا آخرین ذخیره مادی زندگی خود را هم از دست بدهند تا بتوانند سود ربائی را تأمین کنند. آیا رذالت و شقاوت و شرارتی بزرگتر از این ممکن است که فقیرترین انسان ها را به کام نابودی بکشانند. در واقع افرادی که دلالت این مؤسسات قرض الحسنه هستند شکارکننده مشتریان برای نزول خواران پس پرده این مؤسسات می باشند. در حقیقت قرض الحسنه یک طعمه اولیه است.

و از طرفی دیگر در احکام فقهی ما خدعه های توریه ای وجود دارد که می توان با استفاده از آنها هر حرامی را لباس حلال پوشاند از جمله ربا را لباس بیع و مشارکت و مضاربه پوشاند و حلال ساخت. و البته آن آقایانی که این خدعه ها را عرضه می کنند حق حساب خودشان را هم از این ربا می گیرند. یعنی رگ و ریشه این رباخواری کهن در فقاقت توریه ای ما نهفته است که میراث شیعه عباسی است که بر روحانیت ما حاکم است شیعه ضد امام!

«ربا دهنده و ربا گیرنده هر دو در آتشند و چون از خواب برمی خیزند همچون آدم های غشی تلوتلو می خورند و سر از پا نمی شناسند...» قرآن کریم- و امروزه جامعه ما مملو است از چنین آدم هایی که در فاصله بین بیمارستان و تیمارستان زندگی می کنند. ملتی غشی و اسکیزوفرنیک که در آتش ربای حاکم بر کل کشور (تورم) هویت و فرهنگ و ایمان و سلامت تن و روان خود را از دست داده اند.

ذات این فقاہت توریہ ای ضد امام کہ حاصل میراث پانصد سالہ خلافت عباسی است دین و دنیای ما را بہ باد فنا دادہ است تا آنجا کہ ہر فساد و ربا و حرامی و جنایتی را بہ اسم امامان شیعہ صورت می دہد. و جمہوری اسلامی ایران ہم این میراث ابلیسی - عباسی را در خود بہ غایت رساندہ است. و آخرالزمان تشیع عباسی برپا شدہ است. تشیعی کہ بہ اسم علی و بر علیہ علی و آل علی برپا شدہ و تا بہ امروز رسیدہ است. پناہ بر خدا از این ہمہ واژگونسالاری ارزش ہا تحت عنوان دین خدا!

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۲/۱۴